

آیا خانه های مدینه در چوبی داشتند؟

<?xml encoding="UTF-8?">



مقدمه

منازل مسکونی مردم مدینه و مکه در صدر اسلام به شکل ساختمان‌ها و منازل مسکونی دوران ما نبوده است که افزون بر دیوارهای نسبتاً بلند دارای بخش ورودی با درهای محکم و قفل‌های متنوع باشد؛ بلکه برای پوشاندن و محفوظ نگه داشتن درون منزل از دید اغیار، تنها از پرده، حصیر و... استفاده می‌کردند. در روایتی از حضرت علی تصریح می‌کند که خانه‌های ما اهل بیت در نداشته است. «وَنَحْنُ أَهْلُ بَيْتِ مُحَمَّدٍ (ص) لَا سُقُوفَ لِبُيُوتِنَا وَلَا أَبْوَابَ وَلَا سُتُورَ؛ خانه‌های ما اهل بیت، نه سقف دارد و نه در.» این روایت را بسیاری از کتاب‌های شیعه نقل کرده‌اند از جمله:

(الخصال، شیخ الصدوق، ص 364 - 382 و شرح الأخبار، قاضی النعمان المغربي، ج 1 ص 345 - 362 و الاختصاص، شیخ المفید، ص 163 180 و بحار الأنوار، علامة المجلسی، ج 38 ص 167 و 186 و...) بنابراین، چگونه ممکن است که فاطمه زهرا سلام الله علیها بین در و دیوار قرار گرفته باشد؟ و یا چگونه ممکن است که این در آتش گرفته باشد؟

نقد و بررسی:

یکی از شبهاتی که اخیراً برخی از وهابی‌ها آن را با مانور فراوان و سر و صدای زیاد مطرح کرده‌اند همین شبهه است.

اما با بررسی روایات موجود در کتاب‌های شیعه و سنی این نتیجه به دست می‌آید، که در زمان رسول خدا صلی الله علیه وآله خانه های مدینه دارای درهای چوبی بوده است. موارد بسیاری می‌توان به عنوان شاهد نقل کرد که ما به چند نمونه اشاره می‌کنیم. شما خواننده محترم برای اطلاع بیشتر به کتاب مأساة الزهراء علیها السلام، و خلفیات مأساة الزهراء، نوشته سید جعفر مرتضی‌مراجعة فرمایید.

ما ابتدا پاسخ علامه سید جعفر مرتضی را در پاسخ این شبهه نقل و سپس به پاسخ تفصیلی آن خواهیم پرداخت:

پاسخ علامه سید جعفر مرتضی:

علامه سید جعفر مرتضی در پاسخ این روایت می‌گوید: «فأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ إِذْنُ يَصِفُ حَالَةَ الْفَقْرِ الْمَدْقَعِ الَّذِي كَانَ يَعْانِي مِنْهُ أَهْلُ الْبَيْتِ (عليهم السلام)، وَيَذْكُرُ إِثَارَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) حَتَّى أَهْلُ النِّعَمِ وَالْأَمْوَالِ بِمَا يَتَوَفَّرُ لَدَيْهِ مِنْهَا، مَعَ مِلَاحَظَةٍ: أَنَّ أَبْوَابَ أَهْلِ الْبَيْتِ (عليهم السلام) بَيْوتَهُمْ كَانَتْ مِنْ جَرِيدِ النَّخْلِ الَّذِي هُوَ أَصْلُ السَّعْفَةِ بَعْدَ جَرْدِ الْخَوْصِ عَنْهَا، أَمَّا غَيْرُهُمْ (عليهم السلام) فَكَانَ لِبَيْوتِهِمْ سِتَائِرٌ، وَكَانَتْ أَبْوَابُهَا مِنْ غَيْرِ جَرِيدِ النَّخْلِ أَيْضًا، وَمِنْهَا الْأَخْشَابُ لَا مَجْرَدَ سِتَائِرٍ وَمَسْوُوحٍ كَمَا يَدْعُونَ.»

علی علیه السلام از فقر ناراحت کننده‌ای که خاندان پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم با آن دست و پنجه نرم می‌کردند سخن می‌گوید و از بذل و بخشش رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم از اموال و نعمت‌های که نزدش جمع شده بود یاد می‌کند، با این که در خانه‌های اهل بیت از چوب خرما؛ پس از پاک کردن از شاخ و برگش بود؛ ولی دیگران در خانه‌هایشان از غیر چوب خرما بود و افزون بر آن بر درهایشان پرده نیز آویزان کرده بودند.

(العاملي، السيد جعفر مرتضى (معاصر)، مأساة الزهراء عليها السلام شبهات وردود، ج 2 ص 232، ناشر: دار السيرة بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية، 1418هـ - 1997 م)

باز کردن درب خانه با کلید، چه معنایی دارد؟ خداوند در قرآن کریم به صحابه و دیگر مسلمانان اجازه می‌دهد که از خانه‌هایی که کلید آن در اختیار آنان هست، غذا بخورند. بی تردید خانه‌ای که در چوبی و یا آهنی نداشته باشد، داشتن کلید برای آن بی معنا خواهد بود:

«لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ ... أَوْ مَا مَلَكَتُمْ مَفَاتِحَهُ أَوْ صَدِيقَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا.» (النور/61).

بر نابینا و افراد لنگ و بیمار گناهی نیست (که با شما هم غذا شوند)، و بر شما نیز گناهی نیست که از خانه‌های خودتان (بدون اجازه خاصی) غذا بخورید و همچنین خانه‌های پدران‌تان ... یا خانه‌ای که کلیدش در اختیار شماست، یا خانه‌های دوستان‌تان، بر شما گناهی نیست که به طور دسته جمعی یا جداگانه غذا بخورید.

در حدیث ذیل نیز با صراحت سخن از باز کردن درِ اتاق به وسیله کلید است و این نشان می‌دهد که ورودی‌های منازل و اتاق‌ها محصور و محفوظ بوده است.

«حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحِيمِ بْنُ مُطَرِّفٍ الرَّوَّاسِيُّ حَدَّثَنَا عِيسَى عَنْ إِسْمَاعِيلَ عَنْ قَيْسٍ عَنْ دُكَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ الْمُرَزِيِّ قَالَ أَتَيْنَا النَّبِيَّ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَسَأَلْنَاهُ الطَّعَامَ فَقَالَ (يَا عُمَرُ اذْهَبْ فَأَعْطِهِمْ). فَأَرْتَقَى بِنَا إِلَى عِلِّيَّةٍ فَأَخَذَ الْمِفْتَاحَ مِنْ حُجْرَتِهِ فَفَتَحَ.»

از دُکین بن سعید مرزی نقل شده است که گفت: خدمت پیامبر رفتیم و تقاضای غذا کردیم، به عمر فرمود: برو و به آنان غذا بده. عمر ما را به اتاق بالا برد، سپس کلید را از کمر بندش بیرون آورد و در را باز کرد.

(السجستاني الأزدي، سليمان بن الأشعث أبو داود (متوفای 275هـ)، سنن أبي داود، ج 2 ص 527، ح 5240،

تحقیق: محمد محیی الدین عبد الحمید، ناشر: دار الفکر.)

البانی در صحیح و ضعیف سنن ابوداود، شماره 5238 آن را تصحیح کرده است.

پیامبر دستور داد، شب‌ها در منازل را ببندند: مسلم نیشابوری در صحیحش می‌نویسد:

10. «قَالَ أَبُو حَمِيدٍ إِنَّمَا أُمِرَ بِالْأَسْقِيَةِ أَنْ تُوكَأَ لَيْلًا وَبِالْأَبْوَابِ أَنْ تُغْلَقَ لَيْلًا.»

ابو حمید می‌گوید: پیامبر به ما امر کرد که شب‌ها ظروف آب را در گوشه ای قرار دهیم و نیز دستور داد که شب هنگام درها را ببندیم.

(النیشابوری، مسلم بن الحجاج أبو الحسین القشیری (متوفای 261هـ)، صحیح مسلم، ج 3، ص 1593، ح 2010،

کتاب الأشربة (والاطعمة)، باب فِي شُرْبِ النَّبِيذِ وَتَحْمِيرِ الْإِنَاءِ، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، ناشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت.)

خانه های پیامبر (ص) از چوب درخت سرو بود:

ابن کثیر دمشقی به نقل از حسن بصری می‌نویسد:

«وكانت حجره من شعر مربوطة بخشب من عرعر قال وفي تاريخ البخاري أن بابه عليه السلام كان يقرع بالاظفير

فدل على أنه لم يكن لابوابه حلق.»

اتاق های رسول خدا (ص) از شاخه و چوب عَرَعَر به وسیله مو بافته شده بود، و در تاریخ بخاری آمده است: در خانه پیامبر را با نَک انگشتان و ناخن‌ها می‌زدند و این دلالت بر این دارد که حلقه هایی برای کوبیدن بر در نداشته است.

(القرشي الدمشقي، إسماعيل بن عمر بن كثير أبو الفداء (متوفای 774هـ)، البداية والنهاية، ج 3، ص 221، ناشر:

مكتبة المعارف - بيروت.)

خانه عائشه از چوب درخت سرو بود:

بخاری در ادب المفرد می‌نویسد:

«عن محمد بن هلال أنه رأى حجر أزواج النبي صلى الله عليه وسلم من جريد مستورة بمسوح الشعر فسألته عن

بيت عائشة فقال كان بابه من وجهة الشام فقلت مصراعا كان أو مصراعين قال كان بابا واحدا قلت من أي شيء

كان قال من عرعر أو ساج.»

محمد بن هلال خانه‌های همسران پیامبر را دیده است که پوششی بافته شده از مو بوده است. از وی در باره

خانه عائشه پرسیدم، گفت: در خانه اش به طرف شام باز می‌شد، پرسیدم: یک لنگه داشت یا دو لنگه؟ گفت: یک لنگه بیشتر نداشت، گفتم: جنسش از چه بود؟ گفت از چوب درخت عرعر یا ساج.

(البخاری الجعفی، محمد بن إسماعیل أبو عبدالله (متوفای 256هـ)، الأدب المفرد، ج 1، ص 272، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، ناشر: دار البشائر الإسلامية - بیروت، الطبعة: الثالثة، 1409هـ - 1989م)

عاصمی شافعی (متوفای 1111) می‌نویسد:

«کان باب عائشة مواجه الشام وکان بمصرع واحد من عرعر أو ساج.»

در خانه عائشه به طرف شام بود و یک لنگه داشت که از چوب درخت عرعر یا ساج بود.

(العاصمی المکی، عبد الملك بن حسین بن عبد الملك الشافعی (متوفای 1111هـ)، سمط النجوم العوالی فی

أنباء الأوائل والتوالی، ج 1، ص 367، تحقیق: عادل أحمد عبد الموجود - علی محمد معوض، ناشر: دار الکتب العلمیة.)

ابوالبقاء مکی حنفی (متوفای 864) می‌نویسد:

«وکان لبیت عائشة مصرع واحد من عرعر أو ساج.»

برای خانه عائشه یک در بود که یک لنگه داشت و از چوب عرعر یا ساج بود.

(تاریخ مكة المشرفة والمسجد الحرام والمدينة الشریقة والقبر الشریف، ج 1، ص 268، ناشر: دار الکتب العلمیة،

بیروت، 1424هـ، 2004م، الطبعة: الثانية، تحقیق: علاء إبراهيم، أيمن نصر)

محمد بن اسماعیل بخاری در صحیح خود می‌نویسد:

«حدثنا محمد بن عبد الله بن حَوْشَبٍ حدثنا عبد الوَهَّابِ حدثنا يحيى بن سَعِيدٍ قال أَخْبَرْتَنِي عَمْرَةُ قالت سمعت

عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا تَقُولُ لَمَّا جَاءَ قَتْلُ زَيْدِ بْنِ حَارِثَةَ وَجَعْفَرٍ وَعَبْدِ اللَّهِ بْنِ رَوَاحَةَ جَلَسَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

وَسَلَّمَ يُعْرِفُ فِيهِ الْحُزْنَ وَأَنَا أَطْلَعُ مِنْ شَقِّ الْبَابِ.»

از عائشه نقل است: هنگامی که خبر شهادت جعفر بن ابوطالب و عبدالله بن رواحه را آوردند؛ پیامبر بر زمین

نشست و آثار حزن و اندوه در صورتش نمایان شد، و من از شکاف در (شق الباب) او را می‌نگریستم.

(البخاری الجعفی، محمد بن إسماعیل أبو عبدالله (متوفای 256هـ)، صحیح البخاری، ج 1، ص 440، ح 1243،

بَاب مَا يُنْهَى عَنِ النَّوْحِ وَالْبُكَاءِ وَالزَّجْرِ عَنْ ذَلِكَ، تحقیق د. مصطفی ديب البغا، ناشر: دار ابن کثیر، الیمامة -

بیروت، الطبعة: الثالثة، 1407 - 1987.)

شکاف یا سوراخ در دلیل بر مدعای ما است که خانه ها بدون در نبوده است؛ بلکه درهایی که از «تخته» یا

«سعف نخل» ساخته می‌شدند بر ورودی‌های منازل و خانه ها نصب می‌کرده‌اند.

خانه حضرت علی (ع) دارای در بود:

همچنین در برخی از روایات شیعه و سنی آمده است که خانه حضرت علی علیه السلام دارای در چوبی از نوع:

سَعَفٍ (شاخه درخت خرما) عرعر، (درخت سرو) ساج و... بوده است.

در داستان ازدواج فاطمه زهرا و امیرمؤمنان علیهما السلام آمده است:

«ثُمَّ دَعَا عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَصَنَعَ بِهِ كَمَا صَنَعَ بِهَا ثُمَّ دَعَا لَهُ كَمَا دَعَا لَهَا ثُمَّ قَالَ قُومًا إِلَى بَيْتِكُمَا جَمَعَ اللَّهُ بَيْنَكُمَا وَ بَارَكَ فِي نَسْلِكُمَا وَ أَصْلَحَ بَالَكُمَا ثُمَّ قَامَ فَأَغْلَقَ عَلَيْهِ بَابَهُ.»

رسول خدا (ص) علی بن ابوطالب (ع) را احضار نمود و همان عملی را که با فاطمه انجام داده بود با علی نیز انجام داد. آنگاه همان دعائی را برای علی خواند که برای فاطمه خوانده بود. سپس به علی و فاطمه علیهما السلام فرمود: برخیزید بسوی خانه خود روید، خدا شما را نسبت به یک دیگر مهربان کند! و به نسل شما برکت دهد! و عاقبت شما را بخیر نماید! رسول خدا (ص) پس از این دعاها برخاست و در خانه را بست.

(الصنعانی، أبو بکر عبد الرزاق بن همام (متوفای 211هـ)، المصنف، ج 5 ص 489، تحقیق حبیب الرحمن الأعظمی، ناشر: المکتب الإسلامی - بیروت، الطبعة: الثانية، 1403هـ؛ الطبرانی، سلیمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم (متوفای 360هـ)، المعجم الكبير، ج 22 ص 412، تحقیق: حمدي بن عبدالمجيد السلفی، ناشر: مكتبة الزهراء - الموصل، الطبعة: الثانية، 1404هـ - 1983م؛ التميمي المغربي، أبو حنيفة النعمان بن محمد (متوفای 363هـ)، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار، ج 2 ص 359، تحقیق: السيد محمد الحسيني الجلالی، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامی - قم، الطبعة: الثانية، 1414هـ؛ المجلسي، محمد باقر (متوفای 1111هـ)، بحار الأنوار، ج 43 ص 142، تحقیق: محمد الباقر البهبودی، ناشر: مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، 1403 - 1983 م.)

امام کاظم از پدرش امام صادق علیهما السلام نقل کرده است که فرمود:

«جَمَعَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَأَغْلَقَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ الْبَابَ وَقَالَ يَا أَهْلِي وَأَهْلَ اللَّهِ....»

پیامبر اکرم؛ علی بن ابوطالب، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام را جمع کرد و درب را بر روی آن‌ها بست و فرمود: ای خانواده من که پیوستگان خدائید، پروردگار به شما سلام می‌رساند....

(المجلسي، محمد باقر (متوفای 1111هـ)، بحار الأنوار، ج 24 ص 219، تحقیق: محمد الباقر البهبودی، ناشر: مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، 1403 - 1983 م.)

و در حدیثی دیگر از پدرش امام صادق علیهما السلام نقل می‌کند که فرمود:

«لَمَّا كَانَتِ اللَّيْلَةُ الَّتِي قُبِضَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله وسلم) فِي صَبِيحَتِهَا دَعَا عَلِيًّا وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ (عليهم السلام) وَ أَغْلَقَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ الْبَابَ وَ قَالَ يَا فَاطِمَةُ وَأَدْنَاهَا مِنْهُ فَتَنَاجَاهَا مِنَ اللَّيْلِ طَوِيلًا فَلَمَّا طَالَ ذَلِكَ خَرَجَ عَلِيٌّ وَ مَعَهُ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ أَقَامُوا بِالْبَابِ وَ النَّاسُ خَلَفَ الْبَابَ.»

شبى که رسول خدا صلى الله عليه وآله صبح آن از دنیا رفت، علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را فراخواند و در خانه را بست و فرمود: فاطمه جانم! سپس او را نزدیک خودش برد و با دخترش مدتی طولانی مشغول گفتگو شد و چون مدت طولانی شد، علی و دو فرزندش حسن و حسین علیهم السلام از خانه بیرون آمدند و پشت در همراه با مردم به انتظار ماندند.

(المجلسي، محمد باقر (متوفای 1111هـ)، بحار الأنوار، ج 22 ص 490، باب 1، وصيته ص عند قرب وفاته و فيه، تحقیق: محمد الباقر البهبودی، ناشر: مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، 1403 - 1983 م.)

بستن در دلیل بر چه چیزی می‌تواند باشد؟ محمد بن جریر طبری شیعی می‌نویسد:

«قَالَ سَلْمَانُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَمَضَيْتُ إِلَيْهَا فَطَرَقْتُ الْبَابَ وَ اسْتَأْذَنْتُ فَأَذِنَتْ لِي بِالْدُخُولِ فَدَخَلْتُ فَإِذَا هِيَ جَالِسَةٌ.»

سلمان می‌گوید: به خانه فاطمه رفتم، در را کوبیدم و اجازه ورود گرفتم، به من اجازه داد تا وارد شوم. هنگامی که وارد شدم دیدم نشسته است.

(الطبری، ابي جعفر محمد بن جرير بن رستم (قرن 5هـ)، دلائل الامامة، ص 107، نشر و تحقيق: مؤسسة البعثة - قم، الطبعة الأولى، 1413هـ؛ المجلسي، محمد باقر (متوفای 1111هـ)، بحار الأنوار، ج 91 ص 226، تحقيق: محمد الباقر البهبودی، ناشر: مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، 1403 - 1983 م.)

در این حدیث سلمان می‌گوید: در را کوبیدم، آیا کوبیدن در مفهومی غیر از معنای رایج آن دارد؟

شکستن در خانه حضرت زهرا در هجوم:

در روایت هجوم به خانه فاطمه سلام الله عليها آمده است:

«قَالَ عُمَرُ قُومُوا بِنَا إِلَيْهِ فَقَامَ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ وَعُثْمَانُ وَخَالِدُ بْنُ الْوَلِيدِ وَالْمُغِيرَةُ بْنُ شُعْبَةَ وَأَبُو عُبَيْدَةَ بْنُ الْجَرَّاحِ وَسَالِمٌ مَوْلَى أَبِي حُذَيْفَةَ وَقُنْفُذٌ وَقُمْتُ مَعَهُمْ فَلَمَّا انْتَهَيْنَا إِلَى الْبَابِ فَرَأَتْهُمْ فَاطِمَةُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا أَغْلَقَتِ الْبَابَ فِي وُجُوهِهِمْ وَهِيَ لَا تَشْكُ أَنْ لَا يُدْخَلَ عَلَيْهَا إِلَّا بِإِذْنِهَا فَضَرَبَ عُمَرُ الْبَابَ بِرِجْلِهِ فَكَسَرَهُ وَكَانَ مِنْ سَعَفٍ.»

عمر گفت: ما را نزد وی ببر، ابوبکر و عمر و عثمان و خالد بن ولید و مغیره بن شعبه و ابو عبیده جراح و سالم مولی ابو حذیفه و قنفذ حرکت کردند و من نیز با آنان به راه افتادم. هنگامی که به خانه رسیدیم، فاطمه آن‌ها را دید، در را بر روی آنان بست، فاطمه شک نداشت که آنان بدون اجازه وی داخل نخواهند شد؛ اما عمر با لگد در را که از چوب درخت خرما بود، شکست.

(المجلسي، محمد باقر (متوفای 1111هـ)، بحار الأنوار، ج 28 ص 227، تحقيق: محمد الباقر البهبودی، ناشر: مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، 1403 - 1983 م.)

در روایت ابن قتیبه آمده است:

«ثم قام عمر، فمشى معه جماعة، حتى أتوا باب فاطمة، فدقوا الباب، فلما سمعت أصواتهم نادى بأعلى صوتها: يا أبت يا رسول الله، ماذا لقينا بعدك من ابن الخطاب وابن أبي قحافة...»

عمر و گروهی همراه وی به خانه فاطمه رسیدند، دق الباب کردند، فاطمه هنگامی که صدای آنان را شنید، فریاد زد: ای پدر بزرگوارم، ای رسول خدا! پس از تو از دست پسر خطاب (عمر) و ابو قحافه (ابوبکر) چه رنجها که ندیدم.

(الدينوري، أبو محمد عبد الله بن مسلم ابن قتيبة (متوفای 276هـ)، الإمامة والسياسة، ج 1، ص 16، تحقيق: خليل المنصور، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1418هـ - 1997م، با تحقيق شيرى، ج 1، ص 37، و با تحقيق، زينى، ج 1، ص 24.)

نتیجه:

استدلال به روایت و فرمایش علی علیه السلام: «لَا سُقُوفَ لِبُيُوتِنَا وَ لَا أَبْوَابَ» اهل سنت را به مقصودشان نمی‌رساند؛ زیرا: اولاً؛ طراح شبهه سخن علی علیه السلام را ناقص نقل کرده است؛ به گونه‌ای که خواننده احساس می‌کند که اهل بیت علیهم السلام منزل مسکونی به شکل متعارف نداشته‌اند؛ چون خانه‌ای که نه سقف دارد و نه در و نه دیوار، قابل تصور نیست؛ در حالی که متن حدیث چنین است: «نحن اهل بیت محمد (ص) لا سقوف لبیوتنا ولا أبواب ولا ستور (در نقل شیخ مفید، ستور به معنای دیوار آمده است) الا الجرائد وما اشبهها.» جمله پایانی این حدیث گویای استفاده از چوب حاصل شده از برگه‌های درخت خرما است؛ چون جریده به معنای چوب باقی مانده پس از تراشیدن اضافات آن است که با بستن آن چوبها کنار یکدیگر برای پوشش و دیوار کشی و در ورودی و غیر آن استفاده می‌شده است؛ بنابراین از این روایت و روایات دیگر استفاده می‌شود که خانه اهل بیت علیهم السلام از جمله خانه فاطمه زهرا و علی علیهما السلام مانند خانه‌های افراد دیگر دارای در ورودی بوده است که باز و بسته می‌شده و از استحکام مخصوصی هم برخوردار بوده است. همچنین روایات دیگری از مصادر اهل سنت نقل شد که خانه‌های مدینه و نیز خانه امیر مؤمنان علیه السلام در داشته است و این درها نیز چوبی بوده است.